

باخترشناسی در برابر خاورشناسی

شدند.

برخی دیگر می‌گویند: مبدأ خاورشناسی به جنگ‌های صلیبی باز می‌گردد و از آنجا که صلیبیان با تمام قدرت به سرزمین شرق حمله‌ور شدند و پس از جنگ‌های خونین و کشتارهای فراوان، مفتضحانه سرزمین شرق را ترك گفته و به غرب بازگشتند این سبب شد که گروهی از دانشمندان خود را برای شناخت شرق بسیج کردند و این رشته پی‌ریزی شد.

اگر این دو نظریه اغراق آمیز باشد، نظریه سوم تا حدی واقع‌بینانه‌تر است و آن این که مبدأ خاورشناسی، به دوران «رنسانس» باز می‌گردد که مردم مغرب زمین در همه افکار و آرای خود تجدید نظر کرده

رشته خاورشناسی و به تعبیر عربی «استشراق» از صدها سال پیش پایه‌گذاری شده است و هدف از تأسیس آن، این بوده که ملت مغرب زمین ملل مشرق زمین را به خوبی بشناسند، و بر اهداف خود که بر همگان روشن است، نایل آیند. در اینکه خاورشناسی از کی پی‌ریزی شده است، در میان محققان نظرهای گوناگونی ابراز شده است.

برخی، تاریخ آن را به دوران قبل از اسلام برگردانده و می‌گویند بر اثر جنگ‌های ایران و روم، مسأله خاورشناسی پی‌ریزی شد، تا غرب، نقاط قوت و ضعف دشمن خود را به خوبی بشناسد، و در جنگ و یا صلح نیازد و رومیان يك بار در جنگ باختند، هر چند بعداً پیروز

و همه چیز را از نو آغاز نمودند، حتی «دکارت»، فیلسوف معروف، در اصل وجود خود، شك و تردید نمود، آنگاه از طریق يك قیاس غلط به وجود خود پی برد، و گفت: «من می‌اندیشم پس هستم».^(۱)

ما فعلاً با تاریخ پیدایش این رشته در غرب چندان کاری نداریم، چیزی که باید یادآور شویم این است که باید در مقابل خاورشناسی که رشته مهمی در مغرب زمین است، در کشورهای اسلامی نیز رشته‌ای به نام «غرب شناسی» تأسیس شود، و به صورت يك ماده درسی مختلف تدریس شود و آنچه این مطلب را ایجاب می‌کند این است که ما الآن درگیر سیاستمداران غرب و اقتصاددانان آنها هستیم. آنان پیوسته در حال برنامه‌ریزی برای مهار کردن شرق و بهره‌گیری از امکانات مالی و مادی آن به سود خود هستند تا سلطه خود را بر آنها تحکیم کنند.

ما نیز در مقام مقابله، باید از نقاط

قوت و ضعف برنامه‌های آنان، در گذشته و حال به صورت يك علم منظم مطلع شویم و به اصطلاح مرحوم شرف‌الدین عاملی «لا یُنتشر الهدی إلا من حیث انتشرت الضلالة»: رستگاری از همانجا گسترش می‌یابد که گمراهی از آنجا راه یافته است». البته وظیفه اسلامی ایجاب نمی‌کند که ما در صدد استعمار و سلطه‌جویی بر آنان باشیم، اما برای دوری از سلطه‌پذیری ناچاریم که رقیب را به خوبی بشناسیم و به موقع پاسخ بدهیم.

امروز، بیش از يك میلیون نسخه خطی اسلامی در کتابخانه‌ها و موزه‌های غربی ثبت شده و هنوز به تدریج باقیمانده را ثبت می‌کنند. در حالی که غالباً نسخه‌ای از آنها در کشورهای شرقی وجود ندارد. نگارنده خود در سفری که در سال ۱۳۵۶ به امریکا داشتم، نسخه خطی برخی از مجلدات «تبیان» شیخ طوسی را در دانشگاه نیوجرسی که در آن هنگام ۱۰۵

۱. وجه غلط بودن روشن است، زیرا وی نتیجه را در مقدمه مسلم گرفته، آنجا که می‌گوید: «فکر می‌کنم»، از این گذشته، اعتقاد انسان به خویش روشن‌تر از اعتقاد او به تفکر خویش است، چگونه می‌توان از مبهمی به يك امر روشن پی برد؟

- سال از عمر آن می‌گذشت، مشاهده کردم. خطوط میر در آن جا فراوان بود. روزنامه‌های اطلاعات و کیهان، مرتب خریداری شده و تجلید می‌گشت.
- در دوران رضاخان برای تاراج نسخ ارزشمند و چه بسا چاپی، شایعه‌سازی کردند که دولت کلیه این کتاب‌ها را از خانه‌ها جمع‌آوری و نابود خواهد کرد. این خبر هنگامی منتشر شد که دلالتان یهودی‌مشتی از مسلمانان فریب خورده را آلت دست قرار داده به خرید نسخه‌ها اقدام نموده و کتاب‌های زیادی را از کشور بیرون بردند.
- شناخت غرب نباید تنها بر روی سیاست‌های آنان متمرکز گردد، زیرا این کار را غالباً وزارت‌های امور خارجه دنبال می‌کنند، بلکه شناخت غرب باید در ابعاد گوناگون صورت گیرد:
۱. شناخت عقیدتی و معرفتی مذاهب و افکار و ارزش‌ها و فرهنگ و تمدن آنان.
 ۲. تاریخ غرب به صورت تاریخ نمایی نه تاریخ نگاری و علل پیشرفت غرب
- در قرون اخیر.
۳. جغرافیای طبیعی، و انسانی و سیاسی غرب
 ۴. اقتصاد و قدرت تولید و روابط اقتصادی آنان با جهان.
 ۵. شناخت اقلیت‌های مذهبی، قومی و نژادی در غرب.
 ۶. قدرت کلیسا و تحولاتی که در آن رخ داده و وضع کنونی دین و مذهب در غرب.
 ۷. شناخت راه‌های تفاهم و تبادل فرهنگی و در نتیجه گفتگوی میان تمدن‌ها و تبادل و تعامل به جای جنگ و نبرد تمدن‌ها.
 ۸. باز گرداندن ثروت‌های علمی و فرهنگی و آثار باستانی شرق.
 ۹. بهبود بخشیدن به نگرش غربی‌ها نسبت به مردم مشرق زمین و زدودن هر نوع تهمت و بدبینی و نفرت و برتری‌جویی میان دو طرف.
 ۱۰. کوشش برای رفع مرزبندی حاکم بر غرب در زمینه انسان‌شناسی و تقسیم انسان‌ها به دو گروه «فرداست» و «فروست».